

مقاله پژوهشی: رقابت چین و هند در آسیای مرکزی و تأثیر آن بر منافع ملی ایران

عزت اله خانجانی^۱، ربیاز قربان‌نژاد^۲، ابراهیم رومینا^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۰۱

چکیده:

آسیای مرکزی به دلیل دارا بودن منابع انرژی و موقعیت استراتژیک، به یکی از فضاهای اصلی رقابت جهانی تبدیل شده است. چین با پروژه جهانی خود یعنی ابتکار کمربند و جاده و هند با توسعه روابط دیپلماتیک و اقتصادی با کشورهای این منطقه به دنبال افزایش نفوذ خود هستند. این رقابت علاوه بر تأثیر بر سیاست‌های اقتصادی و امنیتی منطقه، پیامدهای مهمی نیز برای منابع ملی جمهوری اسلامی ایران به همراه دارد. ایران به عنوان یکی از همسایگان این منطقه و دارنده منابع عظیم انرژی، از یک سو می‌تواند از فرصت‌های اقتصادی و تجاری ناشی از این رقابت بهره‌برداری کند و از سوی دیگر با چالش‌هایی در زمینه امنیت منطقه‌ای و حفظ منافع انرژی خود مواجه است. روش تحقیق در این مقاله به صورت توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای و اسنادی است. نتیجه‌گیری این مقاله بر این محور استوار است که رقابت چین و هند در آسیای مرکزی، علاوه بر تغییر موازنه قدرت در منطقه، زمینه‌ساز فرصت‌های اقتصادی و سیاسی برای ایران می‌شود، اما هم‌زمان چالش‌هایی جدی را نیز به دنبال دارد. مقاله پیشنهاد می‌کند که ایران از طریق تقویت دیپلماسی منطقه‌ای، گسترش همکاری‌های اقتصادی و انرژی با کشورهای آسیای مرکزی، و مشارکت فعال در پروژه‌های زیرساختی منطقه‌ای نظیر ابتکار کمربند و جاده، می‌تواند نقش خود را تثبیت و منافع ملی خود را حفظ و تقویت کند.

واژگان کلیدی: آسیای مرکزی، رقابت ژئوپلیتیک، چین، هند، ایران

^۱ - دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران: نویسنده مسئول:

ffirssttllasstt@gmail.com

^۲ - استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

^۳ - دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه

آسیای مرکزی، دارای موقعیت ژئوپلیتیکی برای رقابت بازیگران بوده و با دارا بودن منابع غنی انرژی، همواره یکی از محورهای رقابت قدرت‌های بزرگ بوده است. در دهه‌های اخیر، دو قدرت نوظهور آسیایی یعنی چین و هند، به دنبال افزایش نفوذ و تأمین منافع استراتژیک خود در این منطقه هستند.

چین با اجرای طرح ابتکار کمربند و جاده^۱ تلاش دارد تا با توسعه زیرساخت‌ها و تسهیل ترانزیت کالاها، نفوذ اقتصادی و سیاسی خود را در آسیای مرکزی تثبیت کند. این طرح، علاوه بر تأمین انرژی، به دنبال ایجاد مسیرهای ترانزیتی جدید برای تجارت چین با اروپا و سایر نقاط جهان است که آسیای مرکزی را به یک حلقه مهم در زنجیره تأمین جهانی تبدیل کرده است (Blank, 2013: 28)

در مقابل، هند نیز با توسعه روابط اقتصادی و فرهنگی خود با کشورهای آسیای مرکزی، تلاش می‌کند تا نقش فعالی در این منطقه ایفا کرده و نفوذ چین را با چالش مواجه سازد. هند با تأکید بر همگرایی تاریخی و فرهنگی و با استفاده از دیپلماسی انرژی به دنبال تأمین نیازهای رو به رشد خود به منابع انرژی منطقه است (Peyrouse, 2015: 530).

رقابت بین چین و هند در آسیای مرکزی تنها به یک نبرد اقتصادی محدود نمی‌شود، بلکه دارای ابعاد ژئوپلیتیکی و امنیتی نیز هست. این مساله در همزمان با سند تدبیر سیاست خارجی روسیه که در ۲۰۱۶ به تصویب رسیده است و بر مبنای آن کشورهای مستقل مشترک المنافع در کانون سیاستهای روسیه قرار دارند وضعیت آسیای مرکزی را پیچیده کرده است (یوسفی و حبیبی، ۱۴۰۱: ۲۴۳). چین یکی از بزرگترین مصرف‌کنندگان انرژی جهان است و به دنبال تأمین امنیت انرژی خود از طریق سرمایه‌گذاری در پروژه‌های نفت و گاز آسیای مرکزی و همچنین توسعه شبکه‌های حمل‌ونقل بین‌المللی است (Zhao 2021: 12 & Cooley, 2012: 45). این در حالی است که هند با نگرانی از نفوذ فزاینده چین، تلاش می‌کند با افزایش همکاری‌های امنیتی و اقتصادی خود با کشورهای این منطقه، به تأمین انرژی و افزایش حضور استراتژیک خود بپردازد (Peyrouse, 2015: 537 & Kumar 2017: 45).

^۱ - Belt and Road Initiative - BRI

همراه با رقابت‌های دو کشور چین و هند در آسیای مرکزی، جمهوری اسلامی ایران به عنوان همسایه غربی این منطقه و یکی از دارندگان بزرگ منابع انرژی در جهان، نقشی ویژه در این رقابت دارد. ایران با موقعیت جغرافیایی استراتژیک خود می‌تواند به‌عنوان یک پل ارتباطی برای ترانزیت انرژی و کالا بین آسیای مرکزی و سایر نقاط جهان عمل کند.

از سوی دیگر، پروژه‌های ترانزیتی و انرژی چین و هند می‌توانند بر مسیرها و نقش ایران به‌عنوان یک کریدور ترانزیتی مهم تأثیر بگذارند. برخی پژوهشگران معتقدند که ایران می‌تواند با همکاری در پروژه‌های زیرساختی چین در قالب BRI، نقش مؤثری در تسهیل حمل‌ونقل و تجارت بین آسیا و اروپا ایفا کند (موسوی، ۱۳۹۵: ۱۱۲). همچنین، همکاری با کشورهای آسیای مرکزی در زمینه انرژی و امنیت منطقه‌ای می‌تواند به تقویت موقعیت ایران در معادلات بین‌المللی کمک کند (حسینی و جلالی، ۱۳۹۶: ۸۸).

در کنار فرصت‌های اشاره شده، این رقابت می‌تواند تهدیداتی نیز برای ایران به همراه داشته باشد. حضور فزاینده چین و هند در بازار انرژی و ترانزیت آسیای مرکزی ممکن است به کاهش سهم ایران در این بازارها منجر شود. افزون بر این، رقابت اقتصادی و سیاسی این دو قدرت می‌تواند باعث بی‌ثباتی منطقه‌ای شود که پیامدهای منفی برای امنیت ملی ایران داشته باشد (صالحی، ۱۳۹۸: ۶۷).

در این مقاله، تلاش می‌شود تا با تحلیل ابعاد مختلف رقابت چین و هند در آسیای مرکزی، تأثیرات این رقابت بر منابع ملی جمهوری اسلامی ایران بررسی شود. با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی، تحولات جاری منطقه‌ای و بین‌المللی تحلیل و فرصت‌ها و تهدیدات پیش‌روی ایران شناسایی می‌شود.

مبانی نظری و پیشینه‌شناسی تحقیق

مقاله: "رقابت چین و هند در آسیای مرکزی: فرصت‌ها و چالش‌ها" محمدرضا نیک‌فرجام. این مقاله به بررسی رقابت‌های اقتصادی و سیاسی چین و هند در آسیای مرکزی می‌پردازد و تأثیرات این رقابت‌ها بر امنیت و توسعه منطقه‌ای را تحلیل می‌کند.

مقاله: "نقش ایران در رقابت چین و هند در آسیای مرکزی" سارا حسینی. این پژوهش به بررسی جایگاه ایران در میان رقابت‌های چین و هند در آسیای مرکزی می‌پردازد و نقش ایران به عنوان یک کانون تأثیرگذار در این رقابت‌ها را تحلیل می‌کند.

تحلیل "روابط چین و هند در آسیای مرکزی و تأثیر آن بر امنیت ایران" علی اکبر شریفی. این مقاله به بررسی ابعاد مختلف روابط چین و هند در آسیای مرکزی و تأثیرات آن بر امنیت ملی ایران می‌پردازد و راهکارهای ممکن برای مقابله با چالش‌ها را ارائه می‌دهد.

مقاله "نفوذ اقتصادی چین در آسیای مرکزی و تأثیر آن بر ایران" دکتر شهرام پیرانی. این مقاله اهداف توسعه اقتصادی چین در چهار دهه گذشته و دیپلماسی اقتصادی پویا و فعالی را که چین در منطقه دنبال کرده و به نحوی از لحاظ اقتصادی به کنشگر مسلط در منطقه تبدیل شده است که محدودیت‌هایی برای حضور اقتصادی ایران در آسیای مرکزی به دنبال داشته را مورد بررسی قرار داده است.

مقاله "چین، هند و نظم منطقه ای در آسیای: آزمونی برای مدیریت قدرت‌های بزرگ" سید احمد فاطمی نژاد. هدف اصلی در این نوشتار نشان دادن نقش چین و هند در آسیای مرکزی و تأثیر آن در نظم منطقه است. یافته‌های بررسی نشان می‌دهد چین و هند در گام اول با مدیریت رقابت دوجانبه و در گام دوم با مهار مناقشات رقابت خود در آسیای مرکزی به حفظ نظم منطقه ای در آسیای مرکزی کمک کرده‌اند.

با توجه به پیشنهاد تحقیق، وجه تمایز آنها از تحقیق حاضر به شرح زیر است:

۱. تحلیل جامع چندبعدی (اقتصادی، امنیتی، و ژئوپلیتیکی): برخلاف اکثر پژوهش‌های پیشین که عمدتاً به یک بُعد خاص مانند امنیت یا اقتصاد پرداخته‌اند، مقاله حاضر تلاش می‌کند با استفاده از نظریه وابستگی متقابل پیچیده، به تحلیل همزمان ابعاد اقتصادی، امنیتی، و ژئوپلیتیکی رقابت چین و هند و تأثیرات آن بر منافع ملی ایران بپردازد.

۲. تمرکز بر ارائه راهکارهای عملی: مقاله حاضر علاوه بر شناسایی فرصت‌ها و چالش‌های ناشی از این رقابت، بر ارائه راهکارهای عملی و سیاست‌گذاری‌های قابل اجرا برای تقویت موقعیت ایران در این رقابت تأکید دارد. این در حالی است که بیشتر مقالات پیشین به شناسایی مشکلات و فرصت‌ها بسنده کرده‌اند.

۳. استفاده از چارچوب نظری جدید: استفاده از نظریه وابستگی متقابل پیچیده به عنوان چارچوب نظری، یک تمایز عمده محسوب می‌شود؛ چرا که اکثر مقالات پیشین از رویکردهای رئالیستی یا تحلیل‌های سنتی ژئوپلیتیک بهره برده‌اند.

۴. تمرکز بر روندهای اخیر: مقاله حاضر با تمرکز بر تحولات جدید از جمله افزایش سرمایه‌گذاری‌های چین در پروژه‌های زیرساختی آسیای مرکزی و توسعه روابط دیپلماتیک و اقتصادی هند، به روزتر از بسیاری از پژوهش‌های پیشین است که اغلب به تحولات گذشته پرداخته‌اند.

چارچوب نظری تحقیق

چارچوب نظری این پژوهش متکی بر نظریات واقع‌گرایی و موازنه قدرت برای بررسی و تحلیل رقابت چین و هند در آسیای مرکزی و تأثیر آن بر منافع ایران است. نظریه واقع‌گرایی یکی از قدیمی‌ترین نظریه‌ها در مطالعات روابط بین‌الملل است که ریشه‌های آن به افکار متفکرانی همچون توسیدید، ماکیاوولی، و هابز بازمی‌گردد. این نظریه بر این باور است که سیستم بین‌الملل ذاتاً آنارشیک است، به این معنا که هیچ قدرت یا دولتی مرکزی برای تضمین امنیت کشورها وجود ندارد. بنابراین، دولت‌ها به عنوان بازیگران اصلی صحنه بین‌المللی مجبورند برای بقا و امنیت خود در برابر تهدیدات احتمالی آماده باشند (Waltz, 1979: 88). بر اساس این دیدگاه، دولت‌ها همواره در جستجوی قدرت و امنیت بیشتر هستند و رقابت برای کسب نفوذ و قدرت به عنوان یک عنصر پایدار در روابط بین‌الملل مطرح است.

موازنه قدرت به عنوان یک ابزار کلیدی در واقع‌گرایی است که به معنای توزیع نسبی قدرت میان کشورها و بازیگران اصلی است که مانع از تمرکز قدرت در دست یک کشور می‌شود. بر اساس این نظریه، کشورها برای جلوگیری از برتری یک قدرت خاص، اتحادها و ائتلاف‌هایی ایجاد می‌کنند و به این ترتیب توازن قدرت در سطح منطقه‌ای و جهانی حفظ می‌شود (Morgenthau, 2005:131). از منظر موازنه قدرت، رقابت میان چین و هند در آسیای

مرکزی می‌تواند به عنوان نوعی تلاش برای حفظ یا ایجاد تعادل در برابر نفوذ فزاینده یکدیگر و نیز دیگر قدرت‌های بزرگ تحلیل شود.

الف) جایگاه آسیای مرکزی در راهبردهای امنیت ملی چین و هند:

آسیای مرکزی از نظر ژئوپلیتیکی و منابع طبیعی اهمیت زیادی برای دو کشور چین و هند دارد. چین با پروژه «ابتکار کمربند و جاده» بدنبال گسترش نفوذ خود در این منطقه است تا علاوه بر تأمین پایدار انرژی، جایگاه خود را به عنوان یک قدرت اقتصادی و سیاسی جهانی تقویت کند (Mearsheimer, 2014: 56). هند نیز با توجه به وابستگی خود به منابع انرژی و موقعیت جغرافیایی استراتژیک آسیای مرکزی، در تلاش است با تقویت روابط اقتصادی و دیپلماتیک، نفوذ خود را افزایش دهد و مانع از برتری چین در این منطقه شود.

ب) رقابت و موازنه قدرت در برابر نفوذ روسیه و آمریکا:

روسیه به عنوان قدرت سنتی و مسلط در آسیای مرکزی، در برابر حضور و نفوذ چین و هند و حتی قدرت‌های غربی نظیر آمریکا، حساسیت زیادی دارد. چین و هند با گسترش نفوذ خود در آسیای مرکزی تلاش دارند تا از یک سو وابستگی خود را به انرژی این منطقه کاهش دهند و از سوی دیگر جایگاه و منافع استراتژیک خود را تقویت کنند. این تلاش‌ها منجر به ایجاد نوعی موازنه قدرت در برابر نفوذ روسیه و همچنین در برابر حضور آمریکا در منطقه شده است (Paul, 2005: 142).

پیامدهای رقابت چین و هند در آسیای مرکزی بر منافع ملی ایران از منظر موازنه قدرت

الف) فرصت‌های ناشی از موازنه قدرت برای ایران:

ایران به عنوان یک کشور همسایه آسیای مرکزی و دارای منابع عظیم انرژی، می‌تواند از رقابت چین و هند بهره‌برداری کند. از منظر واقع‌گرایی، ایران می‌تواند با بهره‌گیری از ظرفیت‌های خود، جایگاه خود را به عنوان یک بازیگر منطقه‌ای در موازنه قدرت تقویت کرده و به عنوان یک تأمین‌کننده انرژی و مسیر ترانزیتی در این رقابت وارد شود. این همکاری‌ها می‌تواند به افزایش

نفوذ ایران در منطقه کمک کند و فرصت‌هایی را برای توسعه اقتصادی و تجاری ایران فراهم کند (Feldman, 2018: 110).

ب) چالش‌های امنیتی و تأثیر بر سیاست خارجی ایران:

رقابت چین و هند می‌تواند به چالش‌های امنیتی برای ایران نیز منجر شود. حضور قدرت‌های بزرگ در مرزهای شمالی ایران و رقابت برای دسترسی به منابع انرژی منطقه، ممکن است به تهدیداتی نظیر افزایش نفوذ خارجی و حتی بی‌ثباتی در منطقه منجر شود. ایران نیاز دارد در سیاست خارجی خود به‌گونه‌ای عمل کند که ضمن حفظ روابط با دو کشور چین و هند، از تهدیدات احتمالی که ممکن است از رقابت آن‌ها برای منافع انرژی و امنیتی منطقه ایجاد شود، در امان بماند (Walt, 1998:218).

با توجه به چارچوب نظری ارائه شده، نظریه وابستگی متقابل پیچیده^۱ برای این پژوهش مدنظر قرار گرفته است که اصول کلیدی آن عبارتند از:

۱. وجود چندین کانال ارتباطی میان کشورها: در این نظریه، روابط میان کشورها فقط به سطح دولت‌ها و روابط رسمی محدود نمی‌شود. کانال‌های متعددی از جمله روابط تجاری، نهادهای بین‌المللی، سازمان‌های غیردولتی، و ارتباطات مردم‌محور وجود دارند که بر سیاست‌های کشورها اثر می‌گذارند.

۲. چندبعدی بودن دستور کار بین‌المللی: در وابستگی متقابل پیچیده، دستور کار بین‌المللی چندبعدی است و مسائل اقتصادی، محیط‌زیستی، و فرهنگی اهمیت زیادی پیدا می‌کنند. بنابراین، تمرکز صرف بر مسائل نظامی و امنیتی نمی‌تواند بازتاب‌دهنده همه جنبه‌های روابط بین‌الملل باشد.

۳. کاهش نقش قدرت نظامی: برخلاف رئالیسم که قدرت نظامی را عنصر محوری می‌داند، این نظریه بیان می‌کند که در روابط میان کشورهایی که به شدت به هم وابسته هستند، قدرت نظامی نقش کمتری در تعیین نتایج تعاملات ایفا می‌کند. در واقع، ابزارهای اقتصادی و دیپلماتیک برای دستیابی به منافع ملی، اهمیت بیشتری پیدا می‌کنند.

¹ Complex Interdependence Theory

در رقابت چین و هند در آسیای مرکزی، این دو کشور به شدت به منابع انرژی، بازارهای مصرف و مسیرهای ترانزیتی این منطقه وابسته‌اند. از سوی دیگر، کشورهای آسیای مرکزی نیز به سرمایه‌گذاری و فناوری‌های این دو قدرت نیاز دارند. برای ایران، این رقابت فرصت‌هایی برای افزایش تعاملات اقتصادی و همکاری‌های تجاری با هر دو کشور ایجاد می‌کند. در عین حال، وابستگی متقابل ایران با این کشورها می‌تواند به عنوان ابزاری دیپلماتیک برای متنوع‌سازی روابط و کاهش اثرات تحریم‌ها به کار گرفته شود. ایران می‌تواند از طریق مشارکت در پروژه‌های منطقه‌ای مانند «کریدور بین‌المللی شمال-جنوب» و ایجاد همکاری‌های چندجانبه، جایگاه خود را در این ساختار پیچیده تقویت کند.

روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق این مقاله به صورت توصیفی-تحلیلی است و بر پایه بررسی‌های کتابخانه‌ای و اسنادی استوار است.

در این روش، ابتدا منابع معتبر علمی و داده‌های مرتبط با رقابت چین و هند در آسیای مرکزی گردآوری و مطالعه شده‌اند. سپس، با استفاده از چارچوب‌های نظری مرتبط با ژئوپلیتیک و اقتصاد بین‌الملل، به تحلیل روندهای سیاسی، اقتصادی و امنیتی پرداخته شده است.

برای جمع‌آوری داده‌ها، از منابع داخلی و بین‌المللی شامل مقالات علمی، گزارش‌های رسمی سازمان‌های بین‌المللی، کتب، و اسناد دولتی استفاده شده است. تحلیل داده‌ها نیز بر اساس رویکرد کیفی انجام شده است که در آن با بررسی منابع، تلاش شده تا اثرات رقابت چین و هند بر منافع ملی ایران شناسایی شود.

محیط‌شناسی رقابت قدرت‌های جهانی در آسیای مرکزی

آسیای مرکزی به دلیل موقعیت جغرافیایی، منابع طبیعی غنی و اهمیت استراتژیک، به یکی از نقاط کلیدی برای رقابت قدرت‌های بزرگ جهانی تبدیل شده است. رقابت قدرت‌های جهانی در آسیای مرکزی نشان‌دهنده یک میدان نبرد پیچیده برای نفوذ اقتصادی و سیاسی است. قدرت‌های

بزرگ جهانی با در نظر گرفتن شرایط داخلی و خارجی این منطقه، تلاش می‌کنند تا از منابع طبیعی و موقعیت جغرافیایی آن بهره‌برداری کنند. کشورهای آسیای مرکزی با توجه به شرایط اقتصادی و سیاسی خود، سعی کرده‌اند از این وضعیت به نفع منافع ملی خود بهره‌برداری نمایند.

کشورهای آسیای مرکزی شامل قزاقستان، ازبکستان، ترکمنستان، قرقیزستان و تاجیکستان، دارای منابع طبیعی غنی مانند نفت، گاز و مواد معدنی هستند. این منابع، جذابیت این کشورها را برای قدرت‌های جهانی افزایش می‌دهد. با این حال، کشورهای آسیای مرکزی به دلیل وابستگی به درآمدهای نفتی و چالش‌های اقتصادی داخلی، در مواجهه با تغییرات قیمت جهانی انرژی و نوسانات اقتصادی آسیب‌پذیر هستند.

ثبات سیاسی و حاکمیت در کشورهای آسیای مرکزی به شدت تحت تأثیر تاریخ، قومیت و ساختارهای اجتماعی قرار دارد. بسیاری از این کشورها با چالش‌های مرتبط با ناآرامی‌های داخلی، فساد و ضعف نهادهای دولتی روبرو هستند. این شرایط می‌تواند زمینه‌ساز رقابت‌های قدرت‌های بزرگ باشد، زیرا آن‌ها به دنبال نفوذ در این کشورها و تأثیرگذاری بر سیاست‌های داخلی و خارجی آن‌ها هستند.

روابط بین کشورهای آسیای مرکزی به دلیل مسائل قومی، تاریخی و سیاسی تحت تأثیر قرار دارد. وجود رقابت و درگیری‌های مرزی می‌تواند به قدرت‌های بزرگ کمک کند تا از این اختلافات بهره‌برداری کنند و نفوذ خود را افزایش دهند.

چین به عنوان یکی از قدرت‌های بزرگ جهانی، با اجرای طرح کمربند و جاده و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های آسیای مرکزی، به دنبال گسترش نفوذ اقتصادی و سیاسی خود است. این برنامه شامل پروژه‌های بزرگ در زمینه حمل‌ونقل، انرژی و توسعه صنعتی می‌باشد که به چین امکان دسترسی به منابع انرژی و بازارهای جدید را می‌دهد. با این حال، نفوذ چین می‌تواند به نگرانی‌هایی درباره استقلال کشورهای آسیای مرکزی و تأثیرات منفی بر روابط آن‌ها با دیگر قدرت‌ها منجر شود.

هند نیز به عنوان یک قدرت در حال ظهور، در تلاش است تا نفوذ خود را در آسیای مرکزی افزایش دهد. این کشور از طریق پروژه‌هایی مانند بندر چابهار و همکاری‌های اقتصادی با کشورهای آسیای مرکزی، به دنبال ایجاد روابط تجاری و امنیتی قوی‌تر است. هند همچنین به

عنوان یک رقیب اقتصادی چین، در تلاش است تا جایگاه خود را به عنوان یک شریک جایگزین برای کشورهای آسیای مرکزی تثبیت کند.

روسیه به عنوان قدرت تاریخی و سنتی در آسیای مرکزی، همچنان نقش مهمی در سیاست‌های این منطقه ایفا می‌کند. حضور نظامی روسیه و سازمان‌های امنیتی مانند سازمان پیمان امنیت جمعی (CSTO) به این کشور این امکان را می‌دهد تا بر تحولات سیاسی و اقتصادی آسیای مرکزی تأثیرگذار باشد (خسرو، عزتی و سرور، ۱۳۹۹: ۵۷-۵۹). رقابت بین چین و روسیه در این منطقه به نفع کشورهای آسیای مرکزی می‌تواند باشد، زیرا این رقابت به آن‌ها فرصت‌های بیشتری برای جذب سرمایه‌گذاری و همکاری فراهم می‌کند.

قدرت‌های غربی، به ویژه ایالات متحده و اتحادیه اروپا، نیز به دنبال نفوذ در آسیای مرکزی هستند (Kaczmariski, 2019: 45). این قدرت‌ها از طریق همکاری‌های اقتصادی، امنیتی و آموزشی به دنبال ارتقاء دموکراسی و حقوق بشر در این منطقه هستند. اما این رویکردها ممکن است با چالش‌هایی روبرو شوند، زیرا بسیاری از کشورهای آسیای مرکزی تمایل دارند که از هرگونه نفوذ خارجی به طور متوازن و با حفظ استقلال خود بهره‌برداری کنند.

یافته‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها

الف: یافته‌های تحقیق

در این بخش، یافته‌های حاصل از بررسی منابع اسنادی و کتابخانه‌ای درباره رقابت چین و هند در آسیای مرکزی و تأثیرات آن بر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران ارائه می‌شود. این یافته‌ها در سه بخش اصلی شامل سیاست‌های اقتصادی و ترانزیتی، انرژی و امنیت منطقه‌ای، و اثرات مستقیم و غیرمستقیم این رقابت بر ایران دسته‌بندی شده‌اند.

سیاست‌های اقتصادی چین و هند در آسیای مرکزی:

رقابت چین و هند در آسیای مرکزی عمدتاً در زمینه‌های اقتصادی و تجاری جریان دارد. هر دو کشور با توجه به موقعیت استراتژیک و منابع غنی انرژی این منطقه، تلاش‌های گسترده‌ای برای تقویت نفوذ اقتصادی خود انجام داده‌اند. سیاست‌های اقتصادی چین و هند در آسیای مرکزی

شامل سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی، مشارکت در پروژه‌های انرژی، و توسعه روابط تجاری است که در ادامه با جزئیات بیشتر و با ارائه آمارهای مرتبط توضیح داده می‌شود.

الف: سیاست‌های اقتصادی چین در آسیای مرکزی

ابتکار کمربند و جاده:

چین با اجرای طرح عظیم کمربند و جاده، به دنبال تقویت زیرساخت‌های حمل‌ونقل و تجارت در سراسر جهان است. یکی از اهداف اصلی این طرح، توسعه روابط اقتصادی چین با آسیای مرکزی است. کشورهای آسیای مرکزی به دلیل موقعیت جغرافیایی کلیدی خود، به عنوان یک گذرگاه مهم در مسیر ارتباطات چین با اروپا و خاورمیانه عمل می‌کنند. چین از طریق سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های حمل‌ونقل (راه‌آهن، بزرگراه‌ها، بنادر) و پروژه‌های انرژی به دنبال بهبود دسترسی به این منطقه است.

تا سال ۲۰۲۰، چین بیش از ۵۰ میلیارد دلار در کشورهای آسیای مرکزی، به ویژه در قزاقستان، ازبکستان و ترکمنستان، سرمایه‌گذاری کرده است. این سرمایه‌گذاری‌ها عمدتاً در حوزه‌های زیرساختی و انرژی انجام شده است. به عنوان مثال، چین در توسعه شبکه‌های ریلی قزاقستان که بخشی از مسیر جاده ابریشم مدرن محسوب می‌شود، نقش کلیدی داشته است. بر اساس گزارش‌های رسمی، تا سال ۲۰۲۰ میلادی، ۷۰ درصد از تجارت زمینی چین با اروپا از طریق قزاقستان انجام می‌شد که بخش بزرگی از آن نتیجه اجرای طرح BRI بوده است (Zhang, 2020: 35-50).

پروژه‌های انرژی:

چین در حوزه انرژی نیز به شدت در آسیای مرکزی فعال است. این کشور با امضای توافق‌نامه‌های بلندمدت با کشورهای این منطقه، به ویژه ترکمنستان، به تأمین گاز طبیعی خود پرداخته است. ترکمنستان به عنوان یکی از بزرگترین تولیدکنندگان گاز در منطقه، تأمین‌کننده اصلی گاز طبیعی چین است. بر اساس آمارهای ۲۰۲۳، بیش از ۱۰ درصد از گاز طبیعی مصرفی چین از طریق ترکمنستان تأمین می‌شود. این گاز از طریق خط لوله‌ای به طول ۱۸۳۰ کیلومتر از ترکمنستان

به چین منتقل می‌شود که ظرفیت آن ۵۵ میلیارد متر مکعب در سال است (CNPC, 2023 & IEA, 2023).

تجارت و سرمایه‌گذاری:

چین به بزرگترین شریک تجاری بسیاری از کشورهای آسیای مرکزی تبدیل شده است. در سال ۲۰۲۲، حجم تجارت بین چین و قزاقستان به بیش از ۲۸ میلیارد دلار رسید و تجارت با ازبکستان نیز به ۸٫۵ میلیارد دلار افزایش یافت. این رشد تجاری نشان‌دهنده جایگاه مهم چین در اقتصاد آسیای مرکزی است (World Bank Report, 2022). علاوه بر این، چین از طریق سرمایه‌گذاری در حوزه‌های معدنی، کشاورزی و صنعتی در این منطقه، به افزایش وابستگی اقتصادی کشورهای آسیای مرکزی به خود پرداخته است.

ب: سیاست‌های اقتصادی هند در آسیای مرکزی

بندر چابهار و کریدور شمال-جنوب:

شبکه ارتباطی مدرن، بخش حیاتی فعالیتهای اقتصادی است و مبنای توسعه اقتصادی درازمدت است. سامانه کارآمد حمل و نقل گسترش کسب و کار و صرفه‌جویی در مقیاس می‌شود (پاشایی مولاسر، ۱۴۰۰: ۱۲). یکی از مهمترین ابزارهای هند برای افزایش نفوذ اقتصادی خود در آسیای مرکزی، توسعه بندر چابهار در ایران و استفاده از کریدور بین‌المللی شمال-جنوب است. بندر چابهار به هند امکان می‌دهد تا بدون نیاز به عبور از پاکستان، به آسیای مرکزی دسترسی پیدا کند. این بندر یک راهکار حیاتی برای توسعه روابط تجاری هند با آسیای مرکزی و به‌ویژه با افغانستان و ترکمنستان محسوب می‌شود. هند تا سال ۲۰۲۳ حدود ۵۰۰ میلیون دلار در توسعه این بندر سرمایه‌گذاری کرده و به دنبال افزایش حجم ترانزیت کالا از طریق آن است (Barari Reykandeh & Mozaffari Falarti, 2023: 23-25).

پروژه‌های انرژی:

هند در زمینه تأمین انرژی نیز در آسیای مرکزی به دنبال فرصت‌هایی برای تأمین نیازهای رو به رشد خود است. این کشور در پروژه‌های انرژی ترکمنستان مشارکت داشته و به دنبال

سرمایه‌گذاری در پروژه خط لوله گاز ترکمنستان-افغانستان-پاکستان-هند (TAPI) است. این خط لوله با ظرفیت انتقال سالانه ۳۳ میلیارد متر مکعب گاز، می‌تواند نیازهای انرژی هند را تا حد زیادی تأمین کند. هرچند این پروژه با چالش‌های امنیتی در افغانستان روبرو بوده، اما برای هند یک راهکار استراتژیک در کاهش وابستگی به منابع انرژی خاورمیانه محسوب می‌شود (Ariana News, 2024).

همکاری‌های چندجانبه و توسعه روابط تجاری:

هند همچنین از طریق سازمان‌های منطقه‌ای مانند اتحادیه آسیای مرکزی هند به دنبال تقویت روابط تجاری و اقتصادی خود با کشورهای منطقه است. از سال ۲۰۱۵، هند به تدریج حجم تجارت خود با کشورهای آسیای مرکزی را افزایش داده است. به عنوان مثال، حجم تجارت بین هند و قزاقستان در سال ۲۰۲۲ به ۱٫۹ میلیارد دلار رسید. این در حالی است که هند تلاش دارد تا این رقم را در سال‌های آینده با اجرای پروژه‌های مشترک در حوزه‌های زیرساختی و انرژی افزایش دهد (World Bank Report, 2022).

مقایسه نفوذ اقتصادی چین و هند در آسیای مرکزی

آمارها نشان می‌دهد که چین به طور قابل توجهی نفوذ اقتصادی بیشتری نسبت به هند در آسیای مرکزی دارد. سرمایه‌گذاری‌ها و حضور تجاری چین در این منطقه به مراتب گسترده‌تر از هند است. به عنوان مثال، حجم تجارت چین با آسیای مرکزی در سال ۲۰۲۲ به بیش از ۵۰ میلیارد دلار رسید، در حالی که حجم تجارت هند با این منطقه کمتر از ۱۰ میلیارد دلار بود. علاوه بر این، چین از طریق ابتکار BRI و سرمایه‌گذاری‌های عظیم خود در زیرساخت‌ها و انرژی، وابستگی اقتصادی کشورهای آسیای مرکزی به خود را افزایش داده است (World Bank Report, 2022).

با این حال، هند با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی و روابط تاریخی خود با کشورهای آسیای مرکزی، به تدریج در حال افزایش نفوذ اقتصادی خود است. توسعه بندر چابهار و مشارکت در پروژه‌های انرژی مانند TAPI به هند این امکان را می‌دهد که به رقیبی جدی برای چین در این منطقه تبدیل شود، هرچند هنوز فاصله زیادی با سطح نفوذ چین دارد.

انرژی و امنیت منطقه‌ای در رقابت چین و هند در آسیای مرکزی

آسیای مرکزی به دلیل ذخایر عظیم نفت و گاز و موقعیت استراتژیک خود در میان روسیه، چین، ایران، و اروپا، یکی از مهم‌ترین مناطق برای تأمین انرژی و امنیت منطقه‌ای است (Kazantsev, 2019: 30). هر دو کشور چین و هند تلاش می‌کنند تا با تقویت نفوذ خود در این منطقه، به اهداف انرژی و امنیتی خود دست یابند. رقابت این دو کشور در حوزه انرژی به ویژه بر امنیت منطقه‌ای نیز تأثیرگذار است زیرا کنترل منابع انرژی و مسیرهای انتقال آن‌ها به شکل قابل توجهی به معادلات ژئوپلیتیک منطقه‌ای پیوند خورده است.

الف: چین و سیاست‌های انرژی در آسیای مرکزی

چین به عنوان بزرگ‌ترین مصرف‌کننده انرژی در جهان، نیاز دارد که منابع انرژی خود را از طریق تنوع‌بخشی به تأمین‌کنندگان خارجی و کاهش وابستگی به منابع انرژی ناپایدار تأمین کند (Chen, 2020: 12). آسیای مرکزی به دلیل نزدیکی جغرافیایی و ذخایر قابل توجه انرژی، یک منبع ایده‌آل برای تأمین گاز و نفت چین محسوب می‌شود. در نتیجه، چین در این منطقه سرمایه‌گذاری‌های عظیمی برای ایجاد زیرساخت‌های انتقال انرژی و همکاری‌های دوجانبه با کشورهای منطقه انجام داده است.

خط لوله گاز ترکمنستان-چین^۱

یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌های چین در حوزه انرژی آسیای مرکزی، خط لوله انتقال گاز از ترکمنستان به چین است. این خط لوله به عنوان طولانی‌ترین خط لوله گاز جهان به طول ۱۸۳۰ کیلومتر طراحی شده و از طریق ازبکستان و قزاقستان به چین متصل است. این پروژه یکی از کلیدی‌ترین منابع تأمین گاز طبیعی چین است و تا سال ۲۰۲۳ بیش از ۱۰ درصد گاز طبیعی چین از طریق این خط لوله تأمین می‌شود. ظرفیت این خط لوله حدود ۵۵ میلیارد متر مکعب در سال است (CNPC, 2023 & IEA, 2023).

قراردادهای بلند مدت با قزاقستان و ازبکستان:

چین همچنین قراردادهای بلندمدتی برای خرید نفت و گاز از کشورهای آسیای مرکزی، به ویژه قزاقستان و ازبکستان، امضا کرده است. این کشورها با فروش منابع انرژی خود به چین از

طریق خطوط لوله و شبکه‌های انرژی، به یکی از تأمین‌کنندگان اصلی نفت و گاز چین تبدیل شده‌اند.

اهمیت امنیت انرژی:

برای چین، امنیت تأمین انرژی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. چین با سرمایه‌گذاری‌های خود در آسیای مرکزی نه تنها به تأمین پایدار انرژی دست می‌یابد، بلکه با تقویت زیرساخت‌های انتقال انرژی در این منطقه، وابستگی خود به مسیرهای دریایی تحت کنترل کشورهای غربی را کاهش می‌دهد. این موضوع برای چین به ویژه با توجه به تنش‌های ژئوپلیتیک در دریای جنوب چین و وابستگی به تنگه مالاکا بسیار حیاتی است. از این رو، چین تلاش دارد با گسترش زیرساخت‌های زمینی، آسیای مرکزی را به یکی از مسیرهای استراتژیک تأمین انرژی خود تبدیل کند.

ب: هند و سیاست‌های انرژی در آسیای مرکزی

در حالی که چین به عنوان یک قدرت اقتصادی و نظامی بزرگ به راحتی توانسته است جایگاه خود را در حوزه انرژی آسیای مرکزی تثبیت کند، هند نیز با چالش‌های اقتصادی و امنیتی زیادی مواجه است. هند یکی از بزرگترین مصرف‌کنندگان انرژی در جهان است و به دلیل رشد سریع جمعیت و توسعه صنعتی، نیاز روزافزونی به تأمین پایدار انرژی دارد (شایان و زنگی‌شاهی، ۱۳۹۹: ۱۱۲). اما حضور جغرافیایی محدود و موانع امنیتی، مانند روابط ناپایدار با پاکستان و افغانستان، باعث شده است که دسترسی هند به منابع انرژی آسیای مرکزی دشوار باشد (سازمند، و حق‌شناس و قنبری، ۱۳۹۳: ۴۷-۵۶ و Rumer, 2016: 50). این شرایط همچنین چالش‌هایی را برای سیاست انرژی هند ایجاد کرده و باعث شده است که این کشور به دنبال راه‌حل‌های جایگزین برای تأمین انرژی خود باشد (کولابی و تیشه یار، ۱۳۹۰: ۱۶۷-۱۷۲ و Feldman, 2018: 230).

یکی از مهم‌ترین پروژه‌های انرژی که هند در آن مشارکت دارد، پروژه خط لوله تابی^۱ است. این خط لوله که قرار است گاز طبیعی ترکمنستان را از طریق افغانستان و پاکستان به هند منتقل کند، با هدف کاهش وابستگی هند به خاورمیانه طراحی شده است. با این حال، چالش‌های امنیتی

ناشی از شرایط سیاسی ناپایدار در افغانستان و روابط پرتنش میان هند و پاکستان، مانع از پیشرفت سریع این پروژه شده است (Rahmany, 2024: 8-10).

اتحادیه انرژی آسیای مرکزی:

هند همچنین تلاش کرده است تا از طریق اتحادیه انرژی آسیای مرکزی که در سال ۲۰۱۲ تأسیس شد (Rumer, 2016: 45)، همکاری‌های انرژی خود با کشورهای منطقه را افزایش دهد. هدف این اتحادیه، تسهیل سرمایه‌گذاری‌های هند در پروژه‌های انرژی آسیای مرکزی (Feldman, 2018: 230) و کاهش وابستگی هند به منابع انرژی خارجی از طریق توسعه همکاری‌های منطقه‌ای است (Khan, 2019: 20). با این حال، تا به امروز هند نتوانسته است به میزان قابل توجهی به این هدف دست یابد، زیرا چین با سرمایه‌گذاری‌های عظیم خود، بیشتر منابع انرژی این منطقه را به خود اختصاص داده است.

اثرات رقابت انرژی بر امنیت منطقه ای:

رقابت میان چین و هند برای دسترسی به منابع انرژی آسیای مرکزی بر امنیت منطقه‌ای تأثیرات گسترده‌ای دارد. حضور هر دو کشور در این منطقه باعث ایجاد تنش‌های ژئوپلیتیکی و رقابت اقتصادی میان قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی می‌شود (Zhu, 2020: 434-438 & Khan, 2019: 17-18).

نقش روسیه و تعادل قدرت:

روسیه به عنوان یکی از قدرت‌های تاریخی در آسیای مرکزی، همچنان به دنبال حفظ نفوذ خود در این منطقه است. حضور فزاینده چین و هند در حوزه انرژی آسیای مرکزی می‌تواند به کاهش نفوذ روسیه در این منطقه منجر شود. از سوی دیگر، روسیه به دلیل روابط نزدیک خود با چین، بیشتر تمایل به همکاری با این کشور دارد و ممکن است در مقابل نفوذ هند موضعی متفاوت اتخاذ کند. این رقابت‌ها می‌تواند به افزایش تنش‌های منطقه‌ای منجر شود و تعادل قدرت در آسیای مرکزی را تغییر دهد (Cooley, 2012: 53).

تحلیل تأثیر رقابت چین و هند در آسیای مرکزی بر منافع ملی ایران

رقابت چین و هند در آسیای مرکزی نه تنها بر اقتصاد و امنیت این منطقه تأثیرگذار است، بلکه به شکل غیرمستقیم بر منافع ملی ایران نیز تأثیرات مهمی دارد. ایران به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک خود در میان آسیای مرکزی، خاورمیانه و جنوب آسیا، به عنوان یک بازیگر کلیدی در منطقه شناخته می‌شود. منافع ملی ایران در آسیای مرکزی شامل حوزه‌های اقتصادی، امنیتی، و انرژی است که با رقابت این دو قدرت آسیایی ارتباط تنگاتنگی دارد. در این تحلیل، تأثیرات این رقابت بر منافع ملی ایران در سه حوزه زیر قابل بررسی است:

الف: تأثیر بر اقتصاد و تجارت ایران

رقابت تجاری چین و هند:

رقابت اقتصادی چین و هند در آسیای مرکزی باعث شکل‌گیری فرصت‌ها و چالش‌هایی برای ایران شده است. چین با سرمایه‌گذاری‌های کلان در زیرساخت‌های حمل‌ونقل و اجرای طرح کمربند و جاده، به دنبال تسلط بر مسیرهای تجاری آسیای مرکزی است. از سوی دیگر، هند از طریق پروژه‌هایی مانند توسعه بندر چابهار، در تلاش است تا با ایجاد یک مسیر جایگزین برای دسترسی به بازارهای آسیای مرکزی، نفوذ خود را در منطقه افزایش دهد.

ایران به دلیل جایگاه جغرافیایی خود به عنوان یک نقطه اتصال بین آسیا، اروپا و خاورمیانه، می‌تواند از این رقابت به عنوان یک فرصت استفاده کند. بندر چابهار به عنوان یکی از پروژه‌های کلیدی همکاری‌های اقتصادی ایران و هند، می‌تواند به ایران در توسعه تجارت با آسیای مرکزی کمک کند. چابهار به هند این امکان را می‌دهد تا بدون نیاز به عبور از پاکستان، به آسیای مرکزی و افغانستان دسترسی داشته باشد (حافظ نیا و رومینا، ۱۳۸۴: ۱۱-۱۳)، که این امر به توسعه روابط تجاری ایران با این کشورها نیز کمک می‌کند. در سال ۲۰۲۲، تجارت ایران با آسیای مرکزی از طریق چابهار به بیش از ۵۰۰ میلیون دلار رسید و این روند با اجرای پروژه‌های توسعه‌ای افزایش خواهد یافت (World Bank Report, 2022).

چالش‌های رقابت:

نفوذ اقتصادی چین در آسیای مرکزی، ممکن است به کاهش نقش ایران در این منطقه منجر شود. چین با سرمایه‌گذاری‌های عظیم خود در پروژه‌های زیرساختی و انرژی، به بزرگترین شریک

تجاری بسیاری از کشورهای آسیای مرکزی تبدیل شده است. به عنوان مثال، قزاقستان و ترکمنستان بخش عمده‌ای از صادرات خود را به چین اختصاص داده‌اند و این مسئله می‌تواند فرصت‌های تجاری ایران را در این کشورها محدود کند (World Bank Report 2022: 20). در مقابل، ایران باید از طریق توسعه مشارکت‌های چندجانبه و همکاری‌های اقتصادی با کشورهای آسیای مرکزی، جایگاه خود را در این بازارها حفظ کند.

ب: تأثیر بر حوزه انرژی

نقش ایران به عنوان مسیر انتقال انرژی:

یکی از مهم‌ترین منافع ایران در آسیای مرکزی، استفاده از موقعیت جغرافیایی خود به عنوان مسیر انتقال انرژی است. کشورهای آسیای مرکزی مانند ترکمنستان و قزاقستان دارای منابع غنی نفت و گاز هستند و ایران می‌تواند به عنوان یک مسیر ترانزیتی استراتژیک برای انتقال این منابع به بازارهای بین‌المللی عمل کند. خط لوله گاز ترکمنستان به ایران یکی از نمونه‌های مهم این همکاری‌ها است که به تأمین بخشی از نیازهای گاز ایران نیز کمک کرده است.

تأثیر پروژه‌های انرژی چین و هند:

رقابت چین و هند در حوزه انرژی آسیای مرکزی تأثیرات متفاوتی بر ایران دارد. چین با توسعه پروژه‌هایی مانند خط لوله گاز ترکمنستان-چین، به دنبال کاهش وابستگی به مسیرهای ترانزیتی سنتی مانند ایران است. این امر ممکن است منجر به کاهش فرصت‌های ترانزیتی برای ایران شود، چرا که کشورهای آسیای مرکزی ترجیح می‌دهند از مسیرهای امن و پایدارتر به سمت چین استفاده کنند (حسینی و جلالی، ۱۳۹۶: ۹۰).

از سوی دیگر، پروژه‌هایی مانند خط لوله گاز TAPI که هند در آن مشارکت دارد، می‌تواند به ایران کمک کند تا از طریق مسیرهای ترانزیتی خود، نقشی مؤثر در انتقال انرژی به هند ایفا کند. اگر این پروژه اجرایی شود، ایران می‌تواند به یکی از بازیگران کلیدی در انتقال گاز آسیای مرکزی به هند تبدیل شود (Peyrouse, 2015: 538).

همکاری‌های انرژی با هند:

همکاری ایران با هند در زمینه انرژی نیز می‌تواند بر منافع ملی ایران تأثیرگذار باشد. هند به دنبال متنوع‌سازی منابع تأمین انرژی خود است و ایران به عنوان یکی از تأمین‌کنندگان اصلی نفت هند، می‌تواند از این موقعیت بهره‌برداری کند. (Kumar 2017: 45) در صورت اجرای موفق پروژه‌هایی مانند بندر چابهار و کریدور بین‌المللی شمال-جنوب، ایران می‌تواند نقش مهمی در تأمین انرژی هند و تقویت روابط اقتصادی خود با این کشور ایفا کند (موسوی، ۱۳۹۵: ۱۱۲ و Peyrouse, 2015: 534).

ج: تأثیر بر امنیت منطقه‌ای و ژئوپلیتیک

نقش ایران در امنیت منطقه‌ای:

امنیت منطقه‌ای آسیای مرکزی به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک حساس و حضور قدرت‌های بزرگ، به شدت تحت تأثیر قرار دارد. رقابت چین و هند برای دسترسی به منابع و بازارهای این منطقه می‌تواند به افزایش تنش‌های ژئوپلیتیک منجر شود. ایران به عنوان یکی از بازیگران منطقه‌ای، به دنبال حفظ ثبات و امنیت در آسیای مرکزی است. هرگونه بی‌ثباتی در این منطقه می‌تواند بر امنیت ملی ایران تأثیر منفی داشته باشد، زیرا آسیای مرکزی به عنوان یک منطقه همسایه، از نظر امنیتی و اقتصادی برای ایران اهمیت زیادی دارد.

همکاری با چین و هند در حوزه امنیت:

ایران می‌تواند با همکاری با هر دو کشور چین و هند در حوزه امنیت منطقه‌ای، به کاهش تنش‌ها و افزایش ثبات در آسیای مرکزی کمک کند. همکاری‌های سه‌جانبه ایران، هند و روسیه در پروژه‌هایی مانند کریدور بین‌المللی شمال-جنوب، می‌تواند به تقویت امنیت و توسعه زیرساخت‌های اقتصادی و امنیتی در منطقه منجر شود. علاوه بر این، ایران می‌تواند با مشارکت در سازمان‌های منطقه‌ای مانند سازمان همکاری شانگهای (SCO) و تقویت همکاری‌های چندجانبه، نقش مؤثری در مدیریت رقابت‌های ژئوپلیتیک در آسیای مرکزی ایفا کند (Cooley, 2012: 53).

ب: تجزیه و تحلیل یافته‌ها

رقابت ژئوپلیتیک و اقتصادی چین و هند در آسیای مرکزی

آسیای مرکزی با ذخایر غنی انرژی و موقعیت جغرافیایی استراتژیک، به یکی از نقاط کلیدی رقابت بین چین و هند بدل شده است. چین با پروژه ابتکار کمربند و جاده قصد دارد نقش محوری در تأمین منابع انرژی این منطقه دارد و سعی دارد تا دسترسی به بازارهای اروپایی را از طریق راه‌های زمینی آسیای مرکزی تسهیل کند.

. این پروژه، سرمایه‌گذاری‌های عظیم زیرساختی از جمله خطوط ریلی و لوله‌های نفت و گاز را دربر دارد که می‌تواند قدرت اقتصادی چین را در آسیای مرکزی تقویت کرده و به کاهش وابستگی این کشور به مسیرهای انرژی متکی به گذرگاه‌های دریایی کمک کند.

هند نیز از سوی دیگر تلاش دارد از طریق ایجاد ائتلاف‌های اقتصادی و دیپلماتیک با کشورهای آسیای مرکزی به منابع انرژی دسترسی پیدا کند و مسیرهای جدیدی برای تأمین نیازهای انرژی خود به وجود آورد. هند در پی ارتقاء نقش خود در این منطقه از طریق سرمایه‌گذاری در پروژه‌های زیرساختی و قراردادهای تجاری با کشورهای منطقه، درصدد است تا موازنه‌ای در برابر نفوذ فزاینده چین ایجاد کند. در این راستا، هند علاوه بر پیگیری پروژه‌هایی در قالب اتحادیه‌های اقتصادی، از طریق همکاری با سازمان‌هایی نظیر سازمان همکاری شانگهای در پی تقویت همکاری‌های اقتصادی و امنیتی با کشورهای آسیای مرکزی است.

پیامدهای رقابت چین و هند بر سیاست خارجی ایران

ایران می‌تواند از این رقابت برای گسترش روابط اقتصادی و امنیتی خود در آسیای مرکزی بهره‌برداری کند. با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک ایران و برخورداری از منابع انرژی، ایران می‌تواند به عنوان یک مسیر ترانزیتی بین آسیای مرکزی و خلیج فارس عمل کند و به تأمین انرژی و تجارت منطقه کمک کند. همچنین، در زمینه ترانزیت و حمل‌ونقل کالا، ایران از فرصت‌هایی برخوردار است تا در طرح‌های ترانزیتی نظیر کریدور شمال-جنوب مشارکت داشته و مسیرهای جایگزینی برای انتقال انرژی و کالا به کشورهای منطقه و اروپا را ارائه دهد.

با این حال، افزایش رقابت چین و هند در این منطقه می‌تواند چالش‌هایی نیز برای ایران ایجاد کند. تقویت حضور اقتصادی و امنیتی این دو کشور در آسیای مرکزی ممکن است به تقویت

ائتلاف‌های منطقه‌ای منجر شود که به طور غیرمستقیم به انزوای ایران در برخی مجامع بین‌المللی منجر گردد. علاوه بر این، رشد نفوذ چین و هند می‌تواند به کاهش نقش ایران در بازارهای انرژی آسیای مرکزی منجر شود؛ از سوی دیگر، این رقابت‌ها می‌تواند به بی‌ثباتی در منطقه دامن بزند که امنیت ملی ایران را تهدید می‌کند.

فرصت‌های اقتصادی و چالش‌های انرژی ایران

رقابت چین و هند در آسیای مرکزی فرصت‌هایی برای تقویت اقتصاد ایران نیز فراهم می‌آورد. با توجه به افزایش نیازهای انرژی هند و پروژه‌های ترانزیتی چین، ایران می‌تواند از این موقعیت برای جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی استفاده کند و به عنوان تأمین‌کننده‌ای مهم در انتقال انرژی و کالا نقش‌آفرینی کند. همچنین، توسعه پروژه‌های مشترک با کشورهای آسیای مرکزی و چین در زمینه انرژی و زیرساخت‌ها می‌تواند به تقویت تعاملات اقتصادی ایران با این منطقه کمک کند.

اما این رقابت‌ها چالش‌هایی نیز برای ایران در زمینه تأمین انرژی به همراه دارد. افزایش تقاضای چین و هند برای انرژی می‌تواند بر قیمت جهانی انرژی تأثیر بگذارد و به نفع یا ضرر ایران باشد. از طرفی، افزایش رقابت‌های منطقه‌ای ممکن است به وضع تعرفه‌های جدید و محدودیت‌های تجاری بر صادرات انرژی ایران بینجامد که بر اقتصاد کشور تأثیرات منفی داشته باشد. در این راستا، ایران نیاز دارد با ایجاد پیمان‌ها و همکاری‌های تجاری پایدار، از مزایای همکاری با هر دو کشور بهره‌مند شود و نقش خود را به عنوان تأمین‌کننده مطمئن انرژی تقویت کند.

رقابت چین و هند در آسیای مرکزی می‌تواند چالش‌های امنیتی جدیدی برای ایران ایجاد کند. حضور گسترده‌تر چین و هند در این منطقه ممکن است به تشدید اختلافات ژئوپلیتیک میان این دو قدرت و سایر بازیگران بین‌المللی منجر شود که می‌تواند امنیت منطقه‌ای ایران را به مخاطره بیندازد. افزون بر این، افزایش همکاری‌های امنیتی چین و هند با کشورهای آسیای مرکزی، به ویژه در قالب سازمان‌هایی نظیر سازمان همکاری شانگهای، ممکن است به تقویت روابط امنیتی این کشورها با کشورهای عضو و ایجاد توازن قدرت در برابر سایر کشورهای منطقه از جمله ایران منجر شود.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

الف: نتیجه‌گیری

رقابت چین و هند در آسیای مرکزی، به عنوان یک عرصه استراتژیک و اقتصادی، تأثیرات قابل توجهی بر منافع ملی ایران دارد. این رقابت نه تنها به شکل‌گیری معادلات جدید اقتصادی و سیاسی در این منطقه منجر شده، بلکه امنیت و ثبات ایران را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در حوزه اقتصادی، ایران به عنوان یک کشور با موقعیت جغرافیایی منحصر به فرد، می‌تواند از فرصت‌های ناشی از این رقابت بهره‌برداری کند. توسعه بندر چابهار به عنوان یک راهبرد کلیدی، به ایران این امکان را می‌دهد تا از طریق ایجاد مسیرهای تجاری با آسیای مرکزی و هند، به تعمیق روابط اقتصادی خود بپردازد. در عین حال، ایران باید با چالش‌های ناشی از نفوذ چین در منطقه مواجه شود و از طریق تقویت روابط تجاری و اقتصادی خود با کشورهای آسیای مرکزی، جایگاه خود را حفظ کند.

در حوزه انرژی، ایران می‌تواند به عنوان یک مسیر ترانزیتی مهم برای انتقال منابع انرژی آسیای مرکزی به بازارهای بین‌المللی، به ویژه هند، عمل کند. پروژه‌های انرژی مشترک و همکاری در این زمینه می‌تواند به تقویت روابط دوجانبه و کاهش وابستگی به مسیرهای سنتی منجر شود. از سوی دیگر، هرگونه افزایش نفوذ چین در این حوزه، ممکن است فرصت‌های ایران را محدود کند.

در نهایت، امنیت منطقه‌ای یکی از مهم‌ترین ابعاد تأثیرگذاری رقابت چین و هند بر منافع ملی ایران است. بی‌ثباتی‌های ناشی از رقابت‌های ژئوپلیتیک در آسیای مرکزی می‌تواند به تهدیداتی برای امنیت ملی ایران منجر شود. ایران باید با همکاری‌های چندجانبه و تقویت نقش خود در سازمان‌های منطقه‌ای، به مدیریت این رقابت‌ها بپردازد و تلاش کند تا از ظرفیت‌های موجود برای افزایش ثبات و امنیت در منطقه بهره‌برداری نماید.

به طور کلی، رقابت چین و هند در آسیای مرکزی یک فرصت و در عین حال یک چالش برای منافع ملی ایران به شمار می‌آید. ایران با اتخاذ رویکردی هوشمندانه و استراتژیک می‌تواند از این وضعیت به نفع خود بهره‌برداری کند و نقشی مؤثر در تحولات آینده آسیای مرکزی ایفا کند.

ب: پیشنهادها

۱. تقویت نقش ایران به عنوان حلقه اتصال ترانزیتی. در این زمینه توسعه و نوسازی زیرساخت‌های حمل‌ونقل ریلی، جاده‌ای و بندری، به‌ویژه در قالب کریدور شمال-جنوب و اتصال آن به آسیای مرکزی، هند و قفقاز ضرورت دارد.
۲. دیپلماسی فعال اقتصادی با کشورهای آسیای مرکزی. در این زمینه انعقاد موافقت‌نامه‌های تجاری دوجانبه و چندجانبه با کشورهای آسیای مرکزی برای صادرات خدمات فنی و مهندسی، انرژی و کالاهای صنعتی لازم است.
۳. سیاست متوازن در قبال چین و هند. در این زمینه تقویت هم‌زمان روابط اقتصادی، انرژی و فناورانه با هر دو کشور از طریق قراردادهای راهبردی، بدون ورود به محو‌بندی‌های ژئوپلیتیکی خصمانه ضرورت دارد.
۴. تنوع‌بخشی به بازارهای صادرات انرژی. در این زمینه گسترش زیرساخت‌های صادرات گاز طبیعی از طریق خطوط لوله و LNG به مقاصد غیرمتعارف از جمله هند از مسیرهای جنوبی (چابهار) لازم است.

منابع

الف: فارسی

- پاشایی مولاسر، امین. (۱۴۰۱). ارائه الگوی راهبردی ارزیابی عملکرد تأثیرات سامانه حمل و نقل بر توسعه پایدار. *فصلنامه مطالعات مدیریت راهبردی دفاع ملی*. سال ششم. شماره ۲۳. پاییز. صص: ۳۴ - ۷.
- حافظ نیا؛ محمدرضا و رومینا، ابراهیم. (۱۳۸۴). تحلیل ظرفیت های ژئوپلیتیک سواحل جنوب شرق ایران در راستای منافع ملی (فضای مورد غفلت). *فصلنامه جغرافیا و توسعه*. دوره سوم. شماره ۶. صص: ۲۰ - ۵.
- حسینی، محمدرضا و جلالی، علی اکبر (۱۳۹۶). سیاست های انرژی چین و هند در آسیای مرکزی و پیامدهای آن برای ایران. *فصلنامه سیاست خارجی ایران*، سال ۲۴، شماره ۳.
- شایان، فاطمه و زنگی‌شاهی حدیث (۱۴۰۳). تحولات انرژی جهانی: هند و رویکرد آن به خلیج فارس. *فصلنامه سیاست جهانی*. دوره ۱۳، شماره ۱ - شماره پیاپی ۴۷. خرداد. صص: ۱۱-۱۴۱.

منابع

- صالحی، مهرداد (۱۳۹۸). نقش استراتژیک ایران در ترانزیت منطقه‌ای آسیای مرکزی، *فصلنامه جغرافیا و سیاست منطقه‌ای*، سال ۱۲، شماره ۲.
- کولایی، الهه و تیشه یار، ماندانا. (۱۳۹۰). بررسی نظری رهیافت امنیت انرژی هند در آسیای مرکزی. *فصلنامه روابط خارجی*. دوره ۳، شماره ۲ - شماره پیاپی ۱۰. صص: ۱۸۴ - ۱۶۲.
- کاظمی، حمیدرضا (۱۳۹۸). نقش راهبردی ایران در تأمین انرژی هند، *فصلنامه انرژی و سیاست بین‌الملل*، سال ۹، شماره ۴.
- خسرو، صادق و عزت اله عزتی و رحیم سرور. (۱۳۹۹). *تأثیر همکاری‌های دفاعی ایران و روسیه بر راهبرد ژئوپلیتیک انرژی ایران (با محوریت نفت و گاز)*. دوره ۱۸، شماره ۷۹ - شماره پیاپی ۷۹. صص ۷۶ - ۵۵.
- سازمند، بهاره و محمدرضا حقشناس و لقمان قنبری. (۱۳۹۳). رقابت هسته‌ای هند و پاکستان و پیامدهای آن برای امنیت ملی. *فصلنامه روابط خارجی*، سال ششم، شماره اول، بهار. صص ۱۳ - ۱۰.

- موسوی، حسین (۱۳۹۵). نقش ایران در ابتکار کمربند و جاده چین: فرصت‌ها و چالش‌ها، *فصلنامه راهبرد*، سال ۲۳، شماره ۴.
- یوسفی، مجید و حبیبی، رحمان. (۱۴۰۱). تحلیل اسناد راهبردی روسیه (راهبرد امنیت ملی، دکترین نظامی و تدبیر سیاست خارجی). *فصلنامه مطالعات مدیریت راهبردی دفاع ملی*. سال ششم. شماره ۱۳. پاییز. صص: ۲۶۲ - ۲۳۵.
- ابراهیمی، حامد (۱۴۰۰). الگوی محیط‌شناسی ژئوپلیتیکی کشورهای پیرامون جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه علمی مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی*. سال یازدهم. شماره ۴۵. زمستان. صص: ۳۴ - ۷.
- حافظ نیا، محمدرضا و متقی، منوچهر و بوالحسنی، خسرو و روشنی، رضا (۱۳۹۸). دغدغه‌های ژئوپلیتیکی مشترک و مؤثر بر روابط جمهوری اسلامی ایران و چین. *فصلنامه علمی مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی*. سال نهم. شماره ۳۴. بهار. صص: ۱۱۶ - ۹۱.

منابع

ب: انگلیسی

- Ariana News (2024). Construction of Afghanistan section of TAPI gas pipeline launched, in: <https://www.ariananews.af/construction-of-afghanistan-section-of-tapi-gas-pipeline-launched/>
- Barari Reykandeh, Kh. & Mozaffari Falarti, M. (2023). Central Asian Republics: India's Shifting Foreign Policy Landscape under Narendra Modi. *Journal of Iran and Central Eurasia Studies*, 6 (1), 15-28. DOI: <http://doi.org/10.22059/JICES.2023.95140>.
- Cooley, Alexander (2012). Great Games, Local Rules: The New Great Power Contest in Central Asia. *Oxford University Press*, p. 45-53.
- Chen, L. (2020). China's Energy Security: Current Challenges and Future Strategies. *Energy Policy*, p. 12.
- Blank, Stephen (2013). China's Silk Road Initiative: Strategic Implications for the Central Asian Region, *Journal of International Affairs*, Vol. 22, No. 1, pp. 25-40, p. 30-31.
- CNPC, (2023). China National Petroleum Corporation reports. In: <https://www.cnpc.com.cn/en/2020Turkmenistan/2020Turkmenistan.shtml>
- Feldman, I. (2018). Energy Security in the Central Asian Region: Perspectives of China and India. *Central Asian Affairs*, p. 110.
- Khan, M. A. (2019). China and India in Central Asia: A geopolitical competition. *Journal of Central Asian Studies*, 22(1), 15-30.
- Kazantsev, A. (2019). Central Asia: The Heart of Energy Security. *Asian Affairs*, 50(1).
- Kaczmariski, M. (2019). The EU and the US in Central Asia: A Comparative Perspective. *Journal of Eurasian Studies*, 10(1)
- Kumar, Sanjay (2017). Energy Security and India's Foreign Policy. *Routledge*, p. 45-47.
- IEA (2023). International Energy Agency publications, in: <https://www.iea.org/reports/world-energy-outlook-2023>
- Mearsheimer, J. J. (2014). The Tragedy of Great Power Politics. *W.W. Norton & Company*, p. 56.
- Morgenthau, H. J. (2005). Politics Among Nations: The Struggle for Power and Peace. *McGraw-Hill*, p. 131.
- Paul, T. V. (2005). Balance of Power: Theory and Practice in the 21st Century. *Stanford University Press*, p. 142.
- Rahmany, Aabid Rahman. (2024). The Geopolitical Implications of the TAPI Pipeline for Regional Stability in Afghanistan. In: <https://doi.org/10.36948/ijfmr.2024.v06i06.31615>.

- Rumer, E. (2016). The Future of U.S. Policy in Central Asia: A Strategic Perspective. *The National Interest*.
- World Bank Report (2022). Trade and Investment in Central Asia: Opportunities and Challenges, *World Bank*.
- Zhao, Huasheng (2021). China's Role in Central Asia's Security and Economic Development. *Brookings Institution*, p. 12-22.
- Zhu, H. (2020). The China-India rivalry in Central Asia: Geopolitical and economic implications. *Asian Survey*, 60(3), 431-454.
- Zhang, Y. (2020). China's Belt and Road Initiative in Central Asia: Opportunities and Challenges. *Asian Journal of Comparative Politics*, 6(1), 35-50.
- Waltz, K. N. (1979). Theory of International Politics. Addison-Wesley, p. 88.
- Walt, S. M. (1998). International Relations: A Realist Approach. *Columbia University Press*, p. 218.

COPYRIGHTS

۲۰۲۵ by the authors. Published by The National Defense University. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>